

بحثی در مورد ایرانشناسی یا ایران پژوهی^۱

دکتر ناصر تکمیل همایون^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۰

چکیده

استفاده از واژه ایرانشناسی چنان متداول شده است که دیگر نیازی به بررسی این عبارت دیده نمیشود؛ حال آنکه واکاوی ریشه کلمات در هر دانشی و بیان تاریخچه آن از سؤالات اصلی درباره چستی کلیه علوم است. این مقاله با طرح پرسشهایی در این خصوص درصدد بررسی معنای ایرانشناسی، تاریخچه آن و نیز طرح پیشنهادهای درباره یافتن روش درست برای تحقیقات ایرانشناسانه است. نویسنده در عین حال بر این موضوع تأکید دارد که محقق ایرانشناس باید با در نظر گرفتن معنا و تاریخچه ایرانشناسی از یک جنبه‌نگری متداول در پاره‌یی از مطالعات ایرانشناسی در گذشته پرهیز کند؛ تحقیقات درست را از نادرست تشخیص دهد تا از ره آورد آن به ایرانشناسی علمی دست یابد.

کلید واژگان

شرق‌شناسی؛ ایرانشناسی؛ ایران پژوهی؛ ایران؛ مطالعات ایرانی.

۱. مقاله حاضر در قالب یک سخنرانی توسط دکتر ناصر تکمیل همایون، در نشست دهم آذرماه ۱۳۹۳، در بنیاد ایرانشناسی ایراد شد. اهمیت این سخنرانی در این است که میتواند افقهای جدید و عمیقی را برای مطالعه و تحقیق پیش روی محققان بگشاید.

۲. استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

در ابتدا دربارهٔ واژه «ایران‌شناسی» باید اشاره کرد که پسوند «شناسی» در ۵۰ تا ۶۰ سال اخیر، بعد از واژه ایران آورده شده است. این واژه بطور دقیق در برابر «لوگوس»^۱ یونانی قرار می‌گیرد. کاربرد این پسوند در مقابل علمی، مانند: «جامعه‌شناسی»^۲ و «بیولوژی»^۳ که هر یک علمی جداگانه‌اند، مشخص می‌شود؛ ولی «ایران‌شناسی»^۴ چگونه علمی است؟ آیا علمی مستقل، مانند بیولوژی یا جامعه‌شناسی است؟ بطور قطع چنین نیست؛ زیرا ایران یک علم نیست که بتوان از پسوند «لوژی» برای شناخت آن استفاده کرد.^۵

همچنین علمی، مانند «جغرافیای ایران»؛ «تاریخ ایران»؛ «جامعه ایران»؛ «فرهنگ ایران»؛ «ماهیه‌های دریا‌های ایران»؛ «عرفان و مذاهب ایران» و... مجموعه علمی هستند که به مطالعه و بررسی ایران می‌پردازند؛ ولی ایران‌شناسی به مفهومی که در ذهن ماست، یک معرفت عام چنددانشی است و نمیتوان گفت ایران‌شناسی به تنهایی میتواند محتوای چند علم را ادعا کند.

ایرج افشار دو کنگرهٔ اول خود را «ایران‌شناسی» نامید. وی در طی مطالعات بیشتر، این کنگره‌ها را «مطالعات ایرانی» نامید. مشابه این اتفاق را در خارج از ایران نیز شاهدیم؛ بعنوان مثال، در انگلستان مجلهٔ «مطالعات ایرانی» و در فرانسه نیز مجلهٔ «مطالعات ایرانی» به چاپ رسیده است. موضوع این مجله‌ها جغرافی؛ تاریخ؛ دین؛ شعر و... است. بهاء‌الدین خرمشاهی برای تحقیق روی قرآن از عنوان «قرآن پژوهی»^۶ استفاده کرده است. قرآن حاوی حکمت؛ فلسفه؛ اخلاق و فقه است. این اصطلاح دربارهٔ «مطالعات ایرانی» نیز بکار می‌رود. میتوان بجای «ایران‌شناسی» از عبارت «ایران پژوهی» که تمامی علوم را در برمیگیرد و با ایران‌شناسی نیز تفاوت دارد، استفاده کرد. پس استفاده از عنوان «ایران‌شناسی» در گذشته رایج بوده و در واقع این واژه بیشتر برای دانشمندان قرن بیستم، معنا داشته و یک رشته بحساب می‌آمده است.

از طرفی در ترجمهٔ واژه Orientalism به «شرق‌شناسی» نیز اشتباه دیگری رخ داده است؛ زیرا واژه اصلی آن، Oriology نبوده است که به «شرق‌شناسی» ترجمه شود؛ بلکه واژه Orientalism،

1. Legoy.

۲. Sociology تشکیل شده از دو جزء Socio از Society لاتین و Logos یونانی.

3. Biology.

4. Iranology.

۵. برای آگاهی بیشتر ن.ک. به: تکمیل همایون، ۱۳۹۱: ۴۵-۳۵.

6. Iranian Studies.

7. Etudes Iraniennes.

۸. برای آگاهی بیشتر ن.ک. به: خرمشاهی، ۱۳۷۲.

بوده که باید «مطالعات شرق» معنی میشد. واژه Logy در مورد بعضی از کشورها و برخی رشته‌های دانشگاهی بکار میرود، مانند: Egyptology؛ بمعنی «مصرشناسی» که در آن منظور شناسایی تمام مصر نیست؛ بلکه مقصود آن «علم مطالعه شناخت دوران فراعنه مصر» بوده است. همچنین واژه Chinology «چین‌شناسی»^۱ که برای دوران پیش از اسلام بکار رفته است. این موضوع با شناخت تمام فرهنگ، تمدن و تاریخ یک کشور، مانند ایران (شامل همه دوره‌ها) بسیار متفاوت است. با وجود این Orientalisme یا «شناخت شرق» را (که ایران هم جزئی از آن است)، نیز میتوان به چندین دوره تقسیم کرد که خود مبحثی جداگانه است.

در اینجا شایسته است، نگاهی به تاریخچه «ایران پژوهی» داشته باشیم. اگر جهان را به دو نیمکره تقسیم کنیم، قسمت شرقی جهان، شامل قاره آسیا تا چین و بخشی از قاره اروپا و بخشی از شمال آفریقا خواهد بود. قسمت غربی آن هم، اروپای امروزی را تشکیل میدهد. این قسمت غربی همیشه در صدد بوده است که قسمت شرق را بشناسد و قسمت شرق هم گاهی اوقات تمایل به شناخت غرب داشته است.

دوران اول شرق‌شناسی (ایرانشناسی هم جزء آن است)، با مورخان و جغرافی‌دانان یونانی قدیم شروع میشود (تکمیل همایون، ۱۳۷۱: ۱۶۵-۱۲۱). آگاهیها و اطلاعاتی را که این مورخان ارائه میدهند، میتوان نخستین قدمهای شناخت شرق و غرب از یکدیگر دانست، بعنوان مثال، هرودوت^۲ (۴۲۰ - ۴۸۴ ق.م.) در کتاب خود، تاریخ هرودوت^۳ به جنگها و پیروزیهای پی در پی ایرانیان و یونانیان و نیز ایجاد روابط و تعاملات فرهنگی (ناشی از ارتباط دو ملت) بین این دو امپراتوری اشاره کرده است. نتیجه این تعاملات، شناخت بهتر از یکدیگر (البته نه از نوع یک شناخت علمی) بوده است.

در دوره اسلامی تغییراتی در این زمینه شکل گرفت و در این مسیر برخی تعبیر غیرعلمی در تحلیل وقایع، رسوخ پیدا کرد و داوریهای دور از شناخت هم، در بین مردم رواج پیدا کرد که متأسفانه تعداد این شناختهای ناآگاهانه کم نیست؛ زیرا برای بدست آوردن این شناخت، رابطه مستقیم علمی با مشرق‌زمین برقرار نشده بود؛ بعنوان نمونه، در زمان ناصرالدین شاه، کتابی بنام

۱. مطالعه تاریخ، فرهنگ و تمدن چین (قبل از اسلام).

2. Herodout.

۳. برای آگاهی بیشتر ن.ک. به: هرودوت، ۱۳۴۳.

از خراسان تا بختیاری^۱ نوشته هانری رنه دالمانی فرانسوی بصورت سفرنامه و حاوی عکس چاپ شد. در این کتاب، در یکی از عکسها، یک پنبه‌زن و حلاج نشان داده است. در زیر آن عکس نوشته شده: «موسیقیدان ایرانی»^۲ که البته در ترجمه فارسی «پنبه زن» ترجمه شده است به موارد زیادی از این دست ناآگاهیهای مبتنی بر عدم شناخت علمی میتوان اشاره کرد. از آن جمله سفرهای جهانگردان، سفرها و هیئتهای خارجی بود که به ایران می‌آمدند. در این سفرها برخی از آنها، به همراه همسرانشان برای خرید سوغات به بازارهای اصفهان؛ تهران؛ قزوین و... میرفتند و اجناسی را تهیه و اطلاعاتی از این سفرها بدست می‌آوردند. این افراد، در برگشت به کشور خویش، «شرق‌شناس»^۳ نامیده میشدند. آنها مطالبی را که درباره اسلام، ایران و نیز شعر و ادبیات ایران شنیده بودند، برای هم‌وطنان خود نقل میکردند. اطلاعات آنها، اساس و پایگاه علمی و نیز قابلیت استناد نداشت. بسیاری از خاطرات آنها به چاپ رسیده و هم اکنون ترجمه آنها در اختیار ماست. آنچه در این میان باعث تأسف است، پذیرش گفته‌ها و نوشته‌های آنها از جانب ما، ایرانیان، بدون تحقیق است.

ذبیح‌الله صفا، مطلبی را از یکی از مسافران اروپایی به ایران نقل میکند که ضمن عکاسی از کاروانسراها و مساجد ایران، با این یادداشت روی دیوار برخورد کرده بود:

به یادگار نوشتم خطی ز دل‌تنگی

در این زمانه ندیدم رفیق یکرنگی

این سیاح اروپایی بدون تحقیق، بعد از گرفتن عکس از آن بیت شعر و ترجمه و معنی آن، در بازگشت به اروپا خاطرات سفر خود را چاپ و ایرانیان را انسانهایی افسرده معرفی کرد. صفا در یادداشت خود به اشتباه این اروپایی و سوء برداشت او از این شعر اشاره و گله میکند که چرا مترجم مطلب را به همان شکل چاپ کرده و مردم نیز بدون‌اندیشه این مطالب را باور میکنند؟ اشکال اصلی این است که چون یک اروپایی این مطلب را گفته، پس درست است! مطالعات ناقص درباره شرق و از جمله ایران تا سالهای ۱۸۷۳م. بصورت پراکنده ادامه داشت.

۱. Henry-René D'Allem (۱۸۶۳-۱۹۵۰). سیاح فرانسوی که بعثت علاقه فراوانش به اشیای عتیقه، مسافرتهای زیادی به کشورهای مشرق‌زمین انجام داد. وی در سال ۱۸۹۸م. از شهرهای سمرقند؛ بخارا؛ خیوه و عشق آباد بازدید کرد. او در این سفر، آثار هنری زیادی از جمله قالی، منسوجات زربافت و اشیای فلزی قدیمی جمع‌آوری کرد و با خود به فرانسه برد. برای آگاهی بیشتر، ن.ک.به: دالمانی، ۱۳۳۵.

2. Musicien Persian.

3. Orientalist.

بعد از آن محققان اروپایی تصمیم گرفتند که هر یک یا دو سال یکبار، کنگره‌یی در این زمینه تشکیل داده و در جریان تحقیقات یکدیگر قرار گیرند. بدین ترتیب اولین کنگره (که تا کنگره بیست و نهم نیز ادامه پیدا کرد)، با نام *Orientalisme*، در سال ۱۸۷۳م. و در پاریس شکل گرفت که همزمان با سلطنت ناصرالدین شاه بود و از ایران هم نماینده‌یی در آن شرکت کرد. به این کنگره‌ها، کنگره بین‌المللی *Orientalisme* می‌گفتند؛ ولی بعدها به کنگره بین‌المللی *Etudes Asiatiques* «مطالعات آسیایی» تغییر نام پیدا کرد. آخرین کنگره (کنگره بیست و نهم)، در سال ۱۹۷۳م. در پاریس برگزار شد که در آن تنی چند از ایرانیان از جمله بنده در آن حضور داشتیم (تکمیل همایون، ۱۳۷۱: ۱۲۱). در این کنگره‌ها، بواسطه آشنایی بسیاری از محققان با یکدیگر، یکجانبه‌نگری و تعصب، کمتر دیده میشد و مباحث نیز اعتبارات علمی پیدا کرده بودند. با شکل‌گیری شناخت علمی در اروپا و تبدیل تدریجی عقلگرایی به علمگرایی، روشهای نوین علمی پا به عرصه تحقیق گذاشتند. این روشهای تحقیق جدید، در بسیاری از کشورها از جمله ایران مورد توجه قرار گرفت؛ بعنوان نمونه، علامه محمد قزوینی، نسخه‌شناسی و خط‌شناسی را در مراکز علمی کشورهای اروپایی آموخت. پیش از آن، ما تاریخ را از شاهنامه و یا از قصه‌های انبیا می‌شناختیم؛ اما اروپاییان با تحقیق و بررسی دوران هخامنشیان و ادوار پیش از اسلام، تاریخ علمی ایران را مورد نظر قرار دادند و این روش تحقیق علمی در ایران هم دنبال شد.

برای شناخت و انجام روش علمی، خواننده و محقق باید تمام جوانب را بسنجند و با مطالعه چندین منبع، بتوانند آنها را داوری کنند و سره را از ناسره تشخیص دهند. اگر مورخ ایران‌شناس تسلیم عقیده‌های مختلف و تعصبات نابجا شود، تحقیق او بی‌فایده است. در یک تحقیق و تحلیل علمی، ایران‌شناس باید تمامی کتابها و منابع را بخواند تا بتواند، تشخیص دهد کدام منبع درست و کدام منبع نادرست است. این امر مشروط به داشتن نظام و روش علمی است که باید فراگیرد. به‌همین دلیل روش تحقیق یکی از مهمترین دروس در این رشته است که باید بشکل صحیح و نوین آن در مراکز آموزشی تدریس شود، بعنوان مثال، احمد کسروی^۱ نوشته‌یی از مشروطیت، به عنوان یک آذربایجانی اصیل و خوب دارد؛ ولی اطلاعاتی که او ارائه میدهد بیشتر از منطقه آذربایجان و برخاسته از احساس شخصی وی است و باید این موضوع در هر بررسی در نظر گرفته شود. مهدی ملک‌زاده^۲ کتابی درباره مشروطه‌خواهی دارد. وی پسر ملک‌المکملین است

۱. برای آگاهی بیشتر ن.ک. به: کسروی، ۱۳۵۶.

۲. برای آگاهی بیشتر ن.ک. به: ملک‌زاده، ۱۳۶۳.

و مشروطه را از منظر پدرش که در مشروطه فعالیت داشته، بیان کرده است. همچنین میتوان ناظم‌الاسلام کرمانی را مثال زد که ناظم مدرسه «اسلامیه» بود. رئیس این مدرسه آیت‌الله محمد طباطبایی بود و تمام مطالب کتاب *تاریخ بیداری ایرانیان* وی متأثر از سخنان آیت‌الله طباطبایی است و به دور از داوریه‌های وی نیست. اگر مورخ ایران‌شناس تسلیم این عقیده‌های مختلف و تعصبات باشد تحقیق او بی‌فایده است؛ ولی اگر بخواهد تحلیل علمی انجام دهد، باید تمام کتابها را بخواند در نتیجه نمیتواند متوجه شود که کدام درستتر است و این امر مشروط به داشتن نظام و سیستم علمی است که باید فراگیرد. بدین دلیل روش تحقیق یکی از مهمترین دروس این رشته است که باید تدریس شود؛ ولی متأسفانه به غلط تدریس میشود که باید شکلی نوین در این زمینه پایه‌گذاری شود.

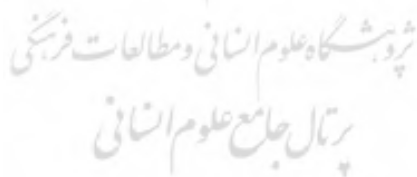
در کتاب *عودلاجان/ اودلاجان*^۱ (که در مورد محله‌های یهودی‌نشین تهران است) از «گتو»^۲ (محله‌های یهودی‌نشین) اروپا نیز سخن به میان آمده است. «گتو» به محله‌هایی گفته میشود که در گذشته دور تا دور آن دیوار و قلعه‌بی وجود داشت و یهودیان در آن زندگی میکردند. یهودیان، روزهای یکشنبه حق خروج از گتو و نیز حق خرید زمین نداشتند؛ مگر در گتو، اگر جمعیت آنها زیاد میشد، باید زمین را کنده و در زیرزمین زندگی میکردند و با دیگران هم مراوده‌یی نداشته باشند. علاوه‌برین سر ساعت در گتو بسته میشد. من با مطالعه‌یی که در این زمینه انجام دادم، دیدم که در تهران، هرگز وضع یهودیان چنین نبوده است. من در ادامه تحقیقاتم به محله عودلاجان رفتم و در آنجا دیدم که در همسایگی یهودیان، منزل آیت‌الله بهبهانی قرار گرفته است و افراد دیگری از روحانیان و دیوانیان نیز آنجا زندگی میکنند. آنها همیشه میتوانستند، بدون هیچگونه مانعی از منزل خارج و وارد شوند. در آنجا با یک فرد یهودی در مورد ایام محرم و روز عاشورا صحبت کردم. وی گفت ما در این مراسم شرکت میکنیم و بر سر هیئتهای عزادار گلاب میریزیم. در نتیجه متوجه شدم آنچه درباره محله‌های تهران گفته شده درست نبوده و اروپاییان آنچه را که در کشور خودشان انجام میشده به ایران تسری داده بودند.

نتیجه کلام آنکه ایران‌شناسی برای ما «خودشناسی» و «هویت‌شناسی» است؛ ولی برای خارجی «دیگری‌شناسی» است. ما هویت خودمان را میشناسیم و آنها هویت ما را از دیدگاه خودشان میشناسند. در آغاز، شناخت با تعصب و یک‌جانبه‌نگری شروع شده بود؛ اما در حال حاضر

۱. تکمیل همایون، ۱۳۹۳.

این تمایلات اندکی فرق کرده و تغییراتی نیز پیدا کرده است؛ ولی هنوز نظام سیاست بر این تحقیقات حاکم است؛ بعنوان نمونه در *دایرة المعارف بریتانیکا* در ذیل واژه «Persian Gulf»^۱، سه جزیره توصیف و نوشته شده که این جزایر توسط ایران تسخیر شده است. در این توضیح، بطور غیرمستقیم نشان داده میشود که این جزایر در گذشته متعلق به ایران نبوده است. بر عکس، ذیل کلمه «Golon Heights»^۲، نوشته شده: «این تپه... در سال ۱۹۳۷ م. به اسرائیل بازگردانده شد»؛ بدان معنا که از اول این تپه‌ها به اسرائیل تعلق داشته است. بدیهی است که این موضع‌گیری، خصمانه و دارای ریزه‌کاری سیاسی است. قدرمسلّم برای به نتیجه رساندن این مطالب هزینه‌های اقتصادی و سیاسی فراوانی صورت میگیرد. از آن جمله است واژه «Persian Gulf» که برخی از اعراب حاشیة خلیج فارس برای ساقط کردن این واژه و جایگزینی آن با واژه مجعول دیگر، میلیاردها دلار پول خرج کرده‌اند.

در مجموع در تمام رشته‌های مطالعاتی کسانی که زر و سیم و پست و مقام فریبشان نمیدهد و واقعاً بدنبال علم هستند، بسیار اندکند. محقق باید بتواند مقاصد پشت پرده را تشخیص دهد و در دام جهت‌گیریهای خاص گرفتار نشود.



۱. خلیج فارس.

۲. تپه‌یی در اسرائیل (فلسطین اشغالی).

منابع

کتاب

- تکمیل همایون، ناصر؛ *عودلاجان (اودلاجان)*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۳.
- خرماشاهی، بهاء الدین؛ *قرآن پژوهی (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی)*، تهران: مرکز نشر فرهنگی مشرق، ۱۳۷۲.
- دالمانی، هانری رنه دو؛ *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه و نگارش فره‌وشی، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۳۵.
- *دایرة المعارف بریتانیکا*.
- کسروی، احمد؛ *تاریخ هجده ساله آذربایجان. بازمانده تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- ملک‌زاده، مهدی؛ *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: علمی، ۱۳۶۳.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمدبن علی؛ *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: آگاه، ۱۳۶۱.
- هرودوت؛ *تاریخ هرودوت*، ترجمه غ. وحید مازندرانی، با مقدمه اقبال آشتیانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.

مقاله

- تکمیل همایون، ناصر؛ «روند پژوهش‌های ایرانی در کنکره‌های بین‌المللی خاورشناسی»، مجموعه مقالات انجمن‌واره بررسی مسائل ایران‌شناسی، به کوشش علی موسوی گرمارودی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱، ص ۱۶۵-۱۲۱.
- «در مفهوم ایران پژوهی»، *نامه ایران و اسلام*، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سال یکم، شماره یکم، ۱۳۹۱، ص ۳۵.